

# معنای چهار عنصر آب- باد- خاک و آتش در آداب نماز

نگارش دکتر جمشید جمشیدی



یک تلنگر باعث شد تا این مقاله نوشته شود. جدول زیرتلنگری بود که حکایت از نگرشی نو و کنجاوکاوانه به موضوع آداب نماز دارد. از این خاطر آن را شایسته بسط و تعمیق دانستم. جدول فارسی صفحه بعد نسخه ترجمه و تعدیل شده ای از این جدول است.

***What is Prayer Supposed to Mean?, K. Jamshidi***

<b><i>Four Elements of Prayer</i></b>	<b><i>Four Elements of Life</i></b>	<b><i>Significance</i></b>
Water Marking	<b>Water</b> Fluidity, adaptability	Water <i>coating</i> of top of head, face, elbow-down arms, hands, and toe tips to foot top is not meant as sanitation, but rather to carry water during the prayer.
Chanting	<b>Oxygen</b> Air, Space, Omnipresence	Beside meaningful words of reverence, chanting is meant to incorporate exhale/inhale blowing into the prayer.
Signs of Reverence	<b>Mother Earth</b> Organic/inorganic Building materials	Kneeling and kissing the soil, or a chip made of clay, is the clearest sign of homage to the earth. This practice was later adopted in the audience hall of royal palaces for visitors and subjects to show their respect to the King or queen by comparing them with sacred soil.
Direction of Reverence	<b>Energy</b> Visible and invisible: God, Light, Fire	Direction of pilgrimage is the Sun, moon, or fire, (now Mecca) depending on the time of the prayer.
<b>Prayer is a daily practice of finding, incorporating, and harmonizing oneself with the elements of life.</b>		

## معنای عناصر چهارگانه (۱) در آداب نماز (۲)

آداب نماز	عناصر حیات	تفسیر و تعبیر
وضو	آب (۳): نم، تری، پاک کننده، نماد انعطاف، پیویستگی و سازگاری	تر کردن صورت و دست ها از آرنج تا سرانگشتان، مسح سر و انگشتان پا، جملگی صرفاً برای نظافت و شستشوی نیست، بلکه به قصد طهارت (پاکی قلب) یافتن است (۴). و تری آب تا پایان نماز بوسیله نمازگزار خشک نمی گردد! (۵) آب وضو باید پاک و کُر (به اندازه کافی) باشد.
دعا خوانی	باد (۶): هوا، اکسیژن، جاری شدن خون کاینات در رگ های تن تمام جانداران	افزون بر معانی روحانی واژگان، عمل دم و بازدم در هنگام دعا خوانی باعث ورود اکسیژن و هوا، ماده حیات به داخل بدن میشود. تجربه روند انتقال نسیم شادی و موج درد و رنج تمام موجودات کاینات می باشد. فوت کردن بعد از دعا خوانی برگشت دادن باد تازه ای سرشار از حال و احساس روحانی به اطراف است.
نشانه های عبادت	خاک (۷): مواد منجمد معدنی و آلی زمین: ساختار ملموس تمام موجودات، معشوقه آسمان و آب	زانوردن (رکوع) و بوسیدن خاک یا مُهر (سجده) نشانه انکار ناپذیر احترام به خاک و آمیختن با آن است. خاک در جایی که به آب دسترسی نباشد بعنوان بدل آب برای طهارت توصیه میشود. وضو با خاک را تیمّم میگویند. رسم بوسیدن خاک بعداً در کاخ های شاهنشاهی نیز مرسوم شد. میهمانان و یا بازدیدکنندگان هنگام بار عام به نشانه احترام به پادشاه و ملکه خاک را می بوسیدند و بدینوسیله آن ها را در حد مقام ارجمند خاک ارج مینهادند.
جهت عبادت	آتش = سنگ (۸): انرژی، اصل زندگی، "مهر نخستین"	قبله در نماز و حجر لاسود مگه در حج. پرستش خورشید، یا آتش در آئین های دیگر

نماز رسم روزانه ایست که با انجام آن شخص تلاش میکند تا به اسرار عناصر حیات واقف شده، آن ها را به خود الحاق کرده، به هم آهنگی با آن ها به پردازد.

### توضیحات:

۱. عناصر چهارگانه، آب- باد- خاک- آتش، عناصری هستند که بنابر اسطوره ها و باورهای دینی در زمان های طولانی، از آنها کاینات ساخته شده است. این عناصر در فرهنگ های سراسر جهان اساس و یا اهرم کشف، تعبیر و تفسیر پدیده های طبیعی، زیستی و حتا

اندیشه های فرهنگی و دینی شده است. فرهنگ ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. ( این چهار عنصر را در فارسی "ارکان" می گویند که معنای پایه و اساس دارد. ارکان جمع "ارکه" است که به معنای "خره" یا "خرد" است، و ریشه واژه "رُکن" عربی است. ارکه فارسی تخم و یا مینوی نخستین است که بُن جهان شمارده میشود).<sup>۱</sup> در این نوشتار کوتاه به نقش معنوی این عناصر در فریضه نماز، فارغ از خاصیت فیزیکی آن ها، اشاره میکنیم.

۲. واژه نماز قبل از اسلام و با رسمیت یافتن آئین زرتشتی وارد ادبیات دینی ایران می شود. ظاهراً این واژه در آئین زرتشتی آنطور که باید معنای اصیل و شایسته خود را باز نیافته است. بنابراین باور صاحب نظران با هدف مسخ واژه های قبلی<sup>۲</sup>، این واژه جایگزین شده است. برخی ریشه واژه نماز را در واژه سانسکریت "ناماسته" (Namaste) یا ناماستی (Namastay) می دانند. با وجود این که نگاره به استناد این مدعا دست رسی نداشته است اما چون واژه ناماسته شباهت بسیاری با واژه نماز دارد بهتر آن دیدم تا ارتباط ریشه ای این دو واژه را بسادگی انکار نکرده، معنای آن را بررسی کنم. واژه ناماسته از دو بخش "نما" به معنای تعظیم کردن و "ته" به معنای تو (شما) است. ناماسته در جمع به معنای خدای درون من، خدای درون تو را تأیید می کند و به آن سر تعظیم فرود می آورد. و در بسط این واژه معنای این که «ما همگی فرزندان خدای یکی هستیم» بدست داده شده است.

۳. در اسطوره های ایران باستان پیدایش کیهان با باریدن آب باران از آسمان تحقق می یابد. با باریدن آب، تخم زمین آفریده می شود که از این تخم، زمین پیدایش می یابد. از زمین تخم گیاه ظاهر می شود که سبب پیدایش گیاهان میگردد. از رویش تخم گیاهان جانوران (گاو) پیدایش می یابند. با رویش تخم انسان از جانوران، خود انسان زاده می شود. پنج هستی آب- زمین- گیاه- جانور- انسان یکی بعد از دیگری در اتصال با هم پیدایش می یابند. آب مینو، تخم یا بذر پیدایش کاینات این همانی با خدای ایرانیان داده می شود که همان سیمرغ است.

۴. در سایت آیت الله سیستانی<sup>۳</sup> هدف "طهارت" در وضو با آب و یا خاک (تیمم) تأکید شده است. ضمناً در آموزش شماره ۲۵۰ (همانجا)، حتا تر (نه شستشو) کردن صورت و دست و پا را در وضو کافی دانسته است. جالب است که این تری تا پایان نماز حفظ می شود، نمازگزار در صدد خشک کردن آب روی نقاط بدن خود نیست.

<sup>۱</sup> نقل از کتاب شهر خرد بجای شهر ایمان- صفحه ۶۶، نوشته منوچهر جمالی

<sup>۲</sup> قبل از نماز واژه نسای دمان (nassay-dman) بکار برده میشده است که به معنای "غریو شادی از نی سایه یا سایه نی" است- کتاب مولوی بلخی و سایه هما، صفحه ۱۹۰- نوشته منوچهر جمالی.

<sup>۳</sup> [http://www.al-shia.com/html/far/books/feqh/resale\\_sistani/sistan03.htm](http://www.al-shia.com/html/far/books/feqh/resale_sistani/sistan03.htm)

۵. سایت مذهبی "پرواز ملکوت"<sup>۴</sup> معنای وضو را در وجه روحانی آن دیده و در باره آن اینطور نوشته است (جملات بوسیله این نویسنده مختصر شده اند):  
شستن صورت: برای یک لحظه هم که شده روی بر گرداندن از آنچه که غیر خدائی است. به درون و بفر خدا افتادن.  
شستن دست راست: فکر کردن یا تلقین به خود برای یاد آوری اهل یمین، خوبان که باعث رستگاری معنوی تو شدند.  
شستن دست چپ: در فکر اصحاب شمال، آن هائی که باعث آفت معنوی تو شدند. باید از آن ها دست بشوئی.  
مسح سر: به یاد فرشتگان که در اطراف سرت چرخ میزنند باشی.  
مسح انگشتان پای راست: هنگام مسح پای راست تمام حیوانات حلال گوشت و مسح پای چپ تمام موجودات ذینفع را به یاد بیاورید.  
مجدداً تاکید می کنیم، آب در وضو فارغ از خاصیت فیزیکی پاک کنندگی آن از زاویه معنوی و روحانی مورد استفاده قرار می گیرد.  
بالاخره باید پرسید که چرا آب و یا خاک جهت طهارت و آمادگی روحی و قلبی برای دیدار با خدای انتخاب شده اند. آیا رسوم، باورها و انگاره های فرهنگ ایران باستان بطور آگاهانه یا ناخودآگاه در آداب نماز رخنه نکرده است؟

۶. باد در اسطوره های ایران باستان یکی از چهره ها یا امشاسپندان خدای آسمان سیمرغ است. خدای باد تخم های آفریننده و بارور سیمرغ ایثارگر را به اقصا نقاط جهان انتقال می دهد. این تخم ها در اعماق تن های تمام هستی ها نشانده می شود و منتظر باروری و شکوفائی می ماند. باد (هوا) را بلعیدن، تخم های منتشر در کاینات را بدرون آوردن و فوت کردن، تخم های نوی را به کاینات برگشت دادن است. در باد است که باز یک همپرسی (دیالوگ) با خدای تحقق می یابد.

۷. بوسیدن خاک ارج نهادن به خدای زمین آرمییتی و با او آمیختن است. رکوع هرگز به معنای تابعیت و اظهار عجز و بندگی در مقابل خدا نبوده بلکه بسوی خدا روی کردن و با او یکی شدن، در او ذوب شدن بوده است. سجده به دنبال وضو، با داشتن هردو گوهر خدای آسمان و زمین در عشق و اتصال آن ها مشارکت کردن بوده است.

۸. قبله زرتشتیان آتش است و پرستش (پرستاری از) آتش اجابت به عظمت و والائی اهورامزدا. قبله نگری و طواف حجر لاسود نیز با معنای مشابهی انجام می گیرد. ولی شاید تعجب کنید که چرا آتش با سنگ مترادف گذاشته شده است. سنگ در عربی "حجر" است که معرب واژه "اگر"، آذر، اخگر یا آتش است. در حقیقت سنگ در ایران باستان نماد عشق، پیوند نرینگی و مادینگی بوده است؛ چرا که سنگ ها بر اثر اصطحکاک و اتصال با هم جرقه، حرارت، آتش، روشنائی و ابهت تولید میکند که همگی نماد نوزائی و بدعت اند. روی نمودن به

<sup>4</sup> <http://abdx313.blogfa.com/cat-16.aspx>

قبله آتشین و قبله سنگین هردو مقدس دانستن "اصل زندگانی" اند. (کتاب شهر خرد بجای شهر ایمان- جمالی)